



برجام و FATF همچنان در اولویت

گفت‌وگو با سید محمد صدر
در باره مسئولیت دستگاه دیپلماتی پس از عملیات اخیر



گزارش جامعه

۱۴-۱۳

علیه مافیای بافت تاریخی؟

ارزیابی کارشناسان از صدور پروانه مرمت و احیا توسط شهرداری



هم نادر، هم باشکوه

یادداشتی از علی ورامینی
در باره بیلبرودهای غلامرضا تختی در پایتخت



سیمای ردیف‌دان فروتن

اهالی موسیقی در سالروز خاموشی نورالدین رضوی سروستانی از او گفتند.

فعالان سیاسی همزمان با بازگشت گشت‌های خیابانی از سرنوشت وعده تبلیغاتی رئیس‌جمهور پرسیدند

۳ سال انتظار برای ارشاد مدیران

احمد علیرضایی نماینده تبریز در مجلس یازدهم

به نظر می‌آید دولت سیزدهم برای جبران پشتوانه ضعیف مردمی، به جای استفاده از آدم‌های کاردان و مجرب، تلاش کرد سهم‌ها را برآورده کند. نتیجه اقدامات آن هم شرایط کنونی با نارسایی‌های قابل تأمل است. البته در باره تشکیل گشت ارشاد مدیران در کشور من ناامید نیستم، چرا که روزنه‌هایی وجود دارد و طبق گزارش‌های منتشر شده، با برخی متخلفان برخوردی صورت می‌گیرد. اما برخوردها گسترده و التیامبخش آلام مردم نیست.



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم

مقایسه دو گشت ارشاد حاکی از آن است که هر دو طرح شکست خورده است و هر دو شکست جزو موضوعات منفی کارنامه دولت است. گشت ارشاد عفاف و حجاب بدون قانون، کار خود را انجام می‌دهد. گشت دوم مربوط به فساد و سوءاستفاده‌های اقتصادی است که در سکوت دچار شکست شده است. چند پرونده عمده مانند پرونده معروف به باغ گیلاس در آنگل است. پرونده دیگر جای دیش است که رئیس قوه قضائیه اعلام کرد کسی در این رابطه به دستگاه عدلیه معرفی نشده است.



رحیم ابوالحسنی استاد علوم سیاسی

میزان موفقیت آقای رئیسی چقدر است، بستگی به این دارد که شبکه قدرت ایشان چقدر وسعت و قدرت دارد و به چه میزان فارغ از فشار دیگر شبکه‌های قدرت است. اما حقیقتاً شبکه قدرتی که آقای رئیسی در رأس آن باشد را خیلی قدرتمند نمی‌دانم و ایشان به مجموعه‌ای از شبکه‌های قدرت در هم تنیده است که آنها اجازه دامنه مؤثری از فعالیت‌ها را به ایشان نخواهند داد و لذا خیلی امیدی ندارم به اینکه در زمینه وعده راهاندازی گشت ارشاد بتواند موفق باشد.



گزارش بین‌الملل ۲۰-۸-۹



درونی شدن مبارزه علیه اپارتاید

یادداشتی از دیوید پالمبولیو
استاد دانشگاه استنفورد آمریکا

تسخیر دانشگاه

تکرار تظاهرات ضد جنگ ویتنام؟

تحلیلی از چارلز بلو
ستون نویسن نیویورک تایمز

بررسی اعتراضات دانشجویی در دفاع از مردم غزه که دانشگاه‌های آمریکا را در نور دیده است

چون اسرائیل رادر سیاست ساخته و پرداخته و پرستش کنند؛ موارد بارزی است که از بیماری سیاسی این جامعه خبر می‌دهد. به‌علاوه، رسانه‌های سنتی این جامعه شامل رادیو و تلویزیون و نیز مطبوعات دچار چنان تسلیمی در موضوع اسرائیل شده‌اند که راه را بر تحولات مفید بسته‌اند. خوشبختانه برخلاف گذشته، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت امکان محدودسازی رسانه‌ای را بسیار کم کرده‌اند و به همین دلیل است که دانشجویان آمریکایی و غیرآمریکایی در مهم‌ترین دانشگاه‌های آنجا اعتراضات گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند که با همراهی نسبی استادان و دیگر نخبگان جامعه نیز مواجه شده‌اند. البته، اهداف اعتراضات نیروهای فعال در جنبش اخیر، لزوماً در جزئیات با یکدیگر مشابه نیست؛ زیرا چندین هدف گوناگون آنان را در کنار یکدیگر متحد کرده است. اعتراض به پرداخت کمک به رژیم اسرائیل که وجاهت حقوق بشری هم ندارد، اعتراض به حمایت از جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، اعتراض به جنگ، اعتراض به الیگارش حاکم دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، اعتراض به رسانه‌هایی که نسبت به موضوع اسرائیل سوگیری شش‌پایه دارند و... از جمله مطالبات و موضوعاتی است که می‌توان در میان طیف‌های متنوع و متکثر حاضر در این اعتراضات دانشجویی، آنها را مشاهده کرد. اما فراتر از این تمایزات و دسته‌بندی‌های درونی، نتیجه اعتراضات در کلیت خود، معطوف به بیدار کردن وجدان‌های به‌خواب رفته به‌ویژه در ساختار حکومت است. هر حکومتی به میزانی که به این خواسته تغییرات پاسخ دهد، به‌طور نسبی در مسیر درست قرار خواهد گرفت و به میزانی که خود را از تغییر محروم کند، دچار پسرقت و تصلب خواهد شد. ۹

وجدان بیدار در جامعه بیمار

سرمقاله

جنبش دانشجویی در هر جامعه‌ای، نشانه‌ای از وجود یک درد در زمان نشده و مزمن در نهادها و متعارف آن است. مثل تب که علامت عفونت است. هرگاه ساختار قدرت مانع از تغییرات ضروری می‌شود، کم‌کم شکاف‌های اجتماعی را افزایش داده و نوعی ناترازی را در جامعه و سیاست ایجاد می‌کند و چون نهادها رسمی وضعیت را پذیرفته‌اند یا ذینفع هستند، در نتیجه قادر به حل این وضعیت ناپایدار نیستند. لذا دانشجویان به علل گوناگون وارد عرصه می‌شوند تا وضعیت را اصلاح کنند. چون آنان خارج از ساخت رسمی و نهادها مستقر هستند و منافع خاص هم ندارند و تعلق خاطر آنان به حقیقت بیش از دیگران است. بر این اساس، جنبش‌های دانشجویی در یک کلام وجدان بیدار جامعه‌ای هستند که وجدان نهادها رسمی آن به خواب رفته است. به همین علت است که پس از جوش و خروش کافی و هنگامی که دیگران را هم بیدار، و دستاورد ملموسی برای جامعه کسب کردند؛ به انجام وظیفه اصلی خود که تحصیل و پژوهش است، می‌پردازند. این مهم‌ترین کارویژه جنبش دانشجویی است که جامعه را با تحولات ضروری آن همسو کنند. چنین وضعیتی در جهان مسبوق به سابقه است. پیشتر در جریان جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ فرانسه و نیز اعتراضات در آمریکا علیه جنگ ویتنام در همان سال که آن نبرد فرسایشی را در مسیر حل قرار داد، نمونه‌های برجسته این پدیده هستند. امروز نیز جامعه آمریکا از حیث سیاسی دچار رخت و خمود غیرقابل باوری شده است. اینکه سرنوشت سیاسی چنین جامعه‌ای متأثر از نتیجه رقابت میان دو پیرمردی باشد که یکی از حیث مشاعر و قدرت دماغی دچار اختلال است و دیگری نیز از حیث دروغ‌گویی و فریبکاری بی‌رقیب باشد و از سوی دیگر، نابویی چهرمی